

پرایس واتر هاوز کوپرز

IFRS9: مهیای تاثیر گذاری

اکتشافات "ساومیا کریشنا" در زمینه چگونگی تاثیر کاهش سرمایه بر سازمان

ها و تاثیرات آن بر خاور میانه

موسسه حسابرسی هوشیار ممیز

ترجمه: ستار شکری (با اندکی تلخیص)

استاندارد بین المللی گزارشگری مالی IFRS9 (ابزارهای مالی) از تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۸ لازم الاجرا می شود. این استاندارد که ماهیت ساری و نفوذ کننده دارد معرف یک تغییر الگو در گزارشگری مالی از کاربرد تاریخی بازبینی کاهش ارزش سرمایه برای تعیین تعدیل قیمت به رویکردی پیش نگر یعنی (خرسان اعتبار پیش بینی شده = مدل ECL)، که بازتاب دهنده فرایند تصمیم گیری شرکت ها است. این امر که زاییده بحران مالی برای تغییر شیوه پاسخگویی بانک ها و سایر دارایی های مالی است، موجب این واقعیت است که سازمان ها نباید معانی ضمنی موثر بر سیستم کنترل داخلی، صورت های مالی و سطر آخر را دست کم بگیرند. این استاندارد هم بر موسسات مالی و هم بر موسسات غیر مالی تاثیر گذار خواهد بود.

آیا این مساله تاثیری اضافی نیز بر منطقه خاور میانه خواهد داشت؟

فرهنگ خاور میانه به شکلی ژرف، ریشه در سنت و ارزش ها دارد. وجه مشخصه بخش شرکتی وجود شرکت های خانوادگی هم بسته، ساختار های سازمانی چند واحدی، معاملات طرف های مرتبط و اغلب، هم پوشانی ای بین مالکیت و مدیریت است.

به قصور در امر اعتبار نیز به شکلی متفاوت نگریده می شود- به عنوان مثال عدم تغییر بهره بر پرداخت دیر هنگام، و به همین منوال، عمومیت مسأله به تعویق انداختن پرداخت برای ماه های متوالی، یک عرف شناخته شده در کسب و کار است. وام های طرف های مربوط، گاهی اوقات با میزان پایین یا اصولاً بدون بهره ارائه می شود، بدون در نظر گرفتن اعتبار مالی در یافت کننده قرض. IFRS ۹، مستلزم شرط گذاری در حیطه کاهش ارزش سرمایه بر چنین دارایی هایی و مد نظر قرار دادن ریسک های مربوطه و احتمالاً ناتوانی در بازپرداخت من جمله ارزش زمانی پول های مقوله تعویق است. این الزام تاثیر مستقیم بر صورت سود و زیان دارد و به نظر می رسد در آینده تصمیم گیری در امر کسب و کار را دستخوش تغییراتی خاص بنماید.

این منطقه همچنین در روشی که به تغییرات در متغیر های اقتصاد کلان واکنش نشان می دهد وضعیتی یکتا دارد. مثال افت شدید قیمت های نفت بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ را در نظر بگیرید.

در حالی که اقتصاد های وارد کننده نفت اروپا واکنشی مثبت در قبال این افت داشتند، معنای ضمنی آن، شرایط مهیب کسب و کار برای بیشتر کسب و کارهای منطقه به دلیل اتکای شدید اقتصادی بر درآمد هیدرو کربنی می باشد. به شکلی مشابه، در حالی که، نرخ بیکاری، شاخص کلیدی در سلامت اقتصادی در کشور های غربی است و می تواند تغییری حائز اهمیت در در برآورد ضررهای پیش بینی شده باشد، ارتباط اندکی با شورای همکاری خلیج فارس (GCC) دارد که این، به دلیل بخش اعظم نیروی کار غیر بومی قراردادی در این حوزه است.

تاثیر IFRS ۹ از مرزهای حسابداری می گذرد. این استاندارد، مستلزم تغییر در سیستم ها و فرایندها است. پویاشناسی استقرار یافته بازار غرب ممکن است در منطقه غیر مرتبط و بی معنا باشد.

شرکت ها، به عنوان بخشی از تدارکات در راستای کاهش سرمایه، مجبور هستند متغیر های اقتصاد کلانی مرتبط را شناسایی کرده و در مورد گرایش ها و تاثیرات تاریخی مورد تحقیق قرار داده و رابطه شان را با نرخ های قصور پرداخت تاریخی، مستقر کرده و آنها را برای پیش بینی های موجود و به منظور برآورد ضررهای پیش بینی شده ردیابی نمایند.

همانطور که "رانجیث چاندران:Ranjith Chandran" بیان می کند، تغییر بنیادین روش محاسبه بدهی های بد برای دریافتی ها از ضرر متحمل شده به یک مدل پیش بینی شده ضرر و شارژ تدارکاتی از روز اول، برای موسسات کوچک و متوسط امری چالش برانگیز است.مراجعه کنندگانی که پیش از این، در پرداخت شرط کاهش ارزش سرمایه، که اگرچه به صورت کامل اما بسی پس از تاریخ سررسید مبلغ را دریافت نموده اند، تصور ورزیده بودند، حال مجبور خواهند بود ضرر کاهش ارزش سرمایه را تحت استاندارد IFRS 9 مد نظر قرار دهند. این به دلیل آن است که زمان بندی پرداخت ها مستقیماً بر ارزش جاری فلذا مبلغ ضرر کاهش ارزش سرمایه تاثیر گذار است.

مدیریت و حسابرس ها مجبور خواهند بود به دلیل فقدان نرخ های تاریخی عدم پرداخت، و بی تجربگی نسبی در پذیرش اطلاعات آینده نگرانه به ماتریس تدارکات و شروط ECL، در مورد اشتباهات بنیادی جانب احتیاط را در مدل خسارت پیش بینی شده در نظر بگیرند.هم داده ها و هم روش شناسی هرگز پیش از این، مورد مورد بازرسی قرار نگرفته بودند

سئوالات متداول در زمینه واحدهای غیر مالی IFRS 9:

IFRS 9 به صورت بنیادین قوانین حسابداری را برای دارایی های مالی بدون سابقه یا ابزار تنظیم می کند خصوصاً برای واحدهای غیر مالی. از آنجا که تاریخ الزامی اجرای IFRS 9 (۱ ژانویه ۲۰۱۸) به سرعت نزدیک می شود، مسئولان اجرایی و مالی (CEOها، CFOها و CROها) مباحثات خود را من باب اجرا آغاز نموده اند. در ذیل ما به بعضی مسائل و سئوالات کلیدی می پردازیم:

س: تفاوت کلیدی بین رویکرد قدیمی و جدید در قبال کاهش ارزش سرمایه چیست؟

ج: IFRS 9 به انحائی بسیار ساده تر از نسخه پیشینش یعنی IAS 39 است. IFRS 9 بر مبنای

اصول، منطقی است و نه قاعده-محور. IFRS 9، حسابداری را قادر به انعکاس ماهیت دارایی مالی (که توسط خاصیت جریان وجه نقد تعیین می شود)، مدل کسب و کار شرکت (چگونگی مدیریت دارایی ها) و رویه

مدیریت ریسک در صورت های مالی می نماید. IFRS ۹ انگرشی رو به آینده دارد و ارزیابی دقیق تر و بهنگام تر ضررهای پیش بینی شده را تضمین می نماید.

س: من یک موسسه مالی نیستم. آیا IFRS ۹، واقعا بر من هم تاثیر می گذارد؟

ج: بله. اگر شما واحد هر یک از دارایی های زیر باشید (دارایی های مالی): ابزارهای بدهی، دریافتی های اجاره ای، دریافتی های بازرگانی، دریافتی های نگاهداری، دارایی های قراردادی (آنطور که در IFRS ۱۵)، تعریف شده است، قرض های طرف های مربوطه (مثلا قرض های داده شده به شرکت اصلی/فرعی یا هر طرف مربوطه ای)، بنای در دست احداث و مشتقات.

یادآوری: در صورتی که دارایی های مالی که به نفع ارزش منصفانه از طریق سود و زیان (FVTPL) در شناسایی اولیه برگزیده شده باشند، تفاوتی بین IFRS ۹ و IAS ۳۹ وجود ندارد.

تاثیر IFRS ۹ از مرزهای حسابداری می گذرد و مستلزم تغییرات در سیستم ها و فرایندها است.

س: چارچوب کلی IFRS ۹ چیست؟

ج: IFRS ۹ بر ۳ محور اصلی استوار است:

۱- طبقه بندی و اندازه گیری: این با چگونگی پاسخگویی به دارایی مالی در صورت های مالی مرتبط است. این مستلزم درک شرایط دارایی های مالی و اهداف مالکیت آن است.

این استاندارد یک تست جریان وجوه نقد و مدل کسب و کار را معرفی می نماید که به صورت نوعی توسط دریافتی های تجاری اوراق قرضه ابزارهای بدهی و وام به طرف های مرتبط مورد سنجش کیفی قرار می گیرند. بدین منوال این دارایی ها مستلزم یک ارزیابی کاهش در سرمایه و تعدیلات متعاقب برای ارزش دفتری خواهند بود.

حق مالکانه و ابزارهای مالی تعبیه شده دیگر نیاز نیست از دارایی های جدا شوند.

یک مدل ساده کاهش سرمایه مبتنی بر خسران اعتبارآینده نگر (ECL).

س: ECL چیست و چگونه اندازه گیری می شود؟

الف- همه دریافتنی ها با خود احتمالی از عدم پرداخت فلذا زیان پیش بینی شده به همراه دارند.

۹ IFRS الزامات خسارتی جدیدی بر مبنای مدل خسارت اعتبار مورد انتظار و آینده گر (ECL) به دست می دهد. به زبان ساده این امر ارزش حاضر میانگین خسارت تنظیم شده با احتمال است که در صورتی که قصور پرداخت دارایی ها به وقوع بپیوندد.

ECL باید بر مبنای ماهیت دارایی های مالی و اعتبار بدهکار تجربه در شرایط اقتصاد کلان انتظارات در مورد گرایشات و رفتارهای آینده و پیش بینی های متغیرها و قضاوت های آینده باشد.

ما می دانیم که بعضی از شرکت ها درک کاملی از قدرت مالی مشتریان/وام گیرندگان ندارند و نرخ های اعتباری از موسسات به سهمولت سایر نقاط جهان قابل دسترسی نیستند. بدین ترتیب تخمین زدن ECL مستلزم یک حرکت بنیادی در فرایندهای داخلی و چارچوب مدیریت ریسک شرکت ها برای توان گرفتن، مستند سازی و تجزیه و تحلیل عوامل کمی و کیفی مرتبط خواهد بود. در سال های اولیه اجرا، شرکت ها همچنین نیاز خواهند داشت به انجام داده کاوی به منظور بررسی و سنجش کیفی نرخ های زیان تاریخی مشتریان/اجاره کنندگان و سایر بدهکاران بپردازند.

بدین ترتیب، یکی از نتایج مثبت الزامات ارزیابی خسارت IFRS^۹، حرکتی الزامی در جهت رویه های شناخت بهتر مشتری (ش.ب.م=KYC) است.

س: آیا سرمایه گذاری ها در بهره حقوق صاحبان سهام برای زیان دیدگی تحت IFRS^۹ مورد ارزیابی قرار می گیرند؟

پ:خیر. سرمایه گذاری در حقوق صاحبان سهام یا با ارزش منصفانه از طریق سود و زیان (FVTPL) که در آن همه تغییرات در ارزش منصفانه به صورت خودکار در صورت سود و زیان لحاظ می شوند) یا به صورت ارزش منصفانه از طریق سایر درآمد های جامع (FVOCI) که تغییرات مورد پاسخگویی قرار می گیرند که در آن تغییرات در ارزش منصفانه در ترازنامه منعکس می شود.

س: تاثیر مورد انتظار مالی چارچوب خسارت جدید کدام است؟

پ: عموماً انتظار می رود که ارائه خدمات در زمینه خسارت تحت IFRS ۹ افزایش خواهد یافت و بزرگترین تاثیر طی دوره گذار از IAS ۳۹ به IFRS ۹ احساس خواهد شد.

IASB، از ارائه دهندگان صورت های مالی را از مناطق جغرافیایی اصلی برای شرکت در کار تیمی به منظور تست کردن و بحث در مورد پیشنهاد هایش من جمله چالش های عملیاتی برای اجرای IFRS ۹، میزان آمادگی برای پاسخدهی مدل پیشنهاد شده در مقایسه با IAS ۳۹ و تاثیر دستورالعملی بر تراز های تعدیل قیمت دعوت به عمل آورد. ضمناً تخمین زده شد که در مسیر گذار ارائه خدمات در زمینه خسارت در IFRS ۹، می تواند ۲۰ تا ۲۵۰ درصد نسبت به IAS ۳۹ بیشتر باشد.

انتظار می رود که ارائه خدمات در زمینه زیان در جایی که پیش بینی اقتصادی در بدترین حالت قرار دارد، در بیشترین میزان خود خواهد بود.

دیلویت، طی سال ۲۰۱۷، و در ایالات متحده، یک همه پرسی ECL برای درک چگونگی نیل بانک ها به اجرای ECL و چالش هایی که در این مسیر با آن دست به گریبان بودند به عمل آورد. بیشتر بانک های مورد تحقیق قرار گرفته، به صورت متوسط، آیش بینی کردند که ارائه خدمات در زمینه خسارت تا بیش از ۱۰ درصد افزایش یابد (که البته برای دسته بندی های متفاوت وام ها تفاوت داشته اند) که این به تبع گذار به IFRS ۹ بوده است.

موضوعی که بیشتر اوقات به عنوان چالش برانگیز ترین کار بانک های مورد تحقیق نقل قول می شود توسعه مدل های آماری ECL می باشد.

نتیجه گیری

همانطور که IFRS⁹ می تواند به مثابه یک تغییر در رویه حسابداری در امتدادی مقصود IASB و قانونگذاران نگرسته شود، چالش هایی هم در سطح کسب و کار برای سازمان ها ایجاد می کند. ارائه خدمات ECL تاثیری مستقیم و از لحاظ کیفی قابل اندازه گیری بر صورت های سود و زیان خواهد داشت و تاثیری غیرمستقیم اما مهم بر گستره عظیمی از عوامل کمک کننده به ارزش سهامدار خواهد داشت.

زیان، تحت IFRS⁹ حسابداری را با رویه کسب و کار واقعی همسو خواهد کرد و تصویری دقیق تر و منطقی تر از قصور اعتباری و میزان ریسک مرتبط به دست خواهد داد. افشاهای اضافی شفافیت بیشتری را برای سهامداران سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از صورت های مالی تضمین خواهد کرد. اجرای یک چارچوب مناسب ECL یکی از مهمترین پروژه های حسابداری در سالهای آتی خواهد بود. هر واحد مجبور خواهد بود مدل ECL مناسب خود را برای اندازه و پیچیدگی ایجاد نماید که باید تحت حمایت داده های تاریخی جاری و پیش بینی شده مرتبط هستند. قضاوت مدیریت و درک ریسک های کسب و کار، نقشی از لحاظ اهمیت مساوی در اعتباربخشی به درونداد ها و برونداد های مدل ECL، بازی خواهد کرد. دسترسی پذیری داده های آینده نگر در منطقه ممکن است برای اقتصادهای منطقه که اعتبار داده های تاریخی و پیش بینانه و دسترسی پذیری به منابع در آن محدود است، چالش برانگیز باشد. واحد ها نیاز خواهند داشت، بین پیچیدگی و عملی بودن و دقت یک توازن برقرار نمایند.

کسب و کار ها نیاز خواهند داشت فرایند را در اسرع وقت راه اندازی نمایند یا به تعویق افتادن ریسک در برآورده ساختن ضرب العجل های مهم یا حتی بدتر عدم آبروی از ریسک اجتناب ناپذیر خواهد بود.

پایان

نوشته Saumya Krishna، معاون بخش خدمات مدل سازی ارزشیابی، مشاور مالی دیلویت در خاورمیانه.

تاریخچه:

بحران مالی در سال ۲۰۰۸، سیلی از انتقاد ها نسبت به سیاست های حسابداری را در پی داشت به خصوص در ارتباط با استفاده از حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی. IAS۳۹ وارد می شود:

مبتنی بر قانون و واپسگرا مبتنی بر داده های تاریخی که ثابت کرد از واقعیت های بازار جدید مجزا است. حسابداری ارزش منصفانه منجر به یک تاثیر دومینویی (زنجیره ای) شد زمانی که همه همه سازمان ها موسسات مالی گرفته تا موسسات غیر مالی به شکلی مشابه و در آن واحد نسبت به تغییرات در شرایط بازار واکنش نشان دادند و بدین ترتیب تاثیر آن را وخیم تر نمودند و به فروپاشی آن کمک کردند.

قانونگذاران تشخیص دادند که مدل های جاری برای شناسایی زیان های اعتبار بر یک مبنای آینده نگر طراحی نشده بوده اند. در نتیجه هیئت بین المللی استانداردهای حسابداری (IASB) دست به بازبینی زد و چارچوب زیان پیشبینی شده در درون IFRS۹ در سال ۲۰۱۴ منتشر شد که برای دوره هایی که از روز اول ژانویه ۲۰۱۸ یا پس از آن شروع شوند حالت اجباری دارد.